

گفتگوئی با علی منتظری،
سرپرست مرکز هنرهای نمایشی



تئاتر، باید از غربت و انزوا خارج شود

□ با عرض تشکر از اجابت دعوت «کتاب صبح». اگر اجازه بفرمائید به ترتیب
سئوالاتی را که برای ما پیش آمده و مطرح است عرض می کنیم: در پایان فصل تئاتری
سال ۶۹، تئاتر این سال را چگونه ارزیابی می کنید و بیلان کار چیست؟

علی منتظری - بسم الله الرحمن الرحيم. من هم به سهم خود از اینکه کمافی السابق به تئاتر توجه
دارید سپاسگزارم. در پی برنامه تحول و گسترش تئاتر کشور و با در نظر گرفتن پارامترها و
عوامل مختلفی که در طی و طول این سال برای تئاتر کشور حاصل شده، طبعاً آنچه در دیدگاه
و منظر ما از تئاتر در سال ۶۹ قرار دارد، مجموعاً کارنامه خوبی را رقم زده است. عبارت ساده تر
این مطلب اینکه، ما از فعالیتهای راضی هستیم، اما قانع نیستیم. و طبعاً معتقدیم که هنوز برای
رسیدن به ایده آنها، آرمانها و ارزشها راه درازی در پیش است. باید طی شود. خوشحالی ما از
برگزاری جشنوارهها و فعالیت صحنهها، تشکیل انجمنها، از مار کتاب و بولتن و مجله،
فعالیتهای بین المللی و ایجاد کانونها و تشکلهای تئاتری، چیزی نیست که پنهانش کنیم. ما از
همه این رویدادها، کوششها، فعالیتهای و تلاشهایی که همکاران ما در طول سال ۶۹ داشتهاند



مشکور هستیم و آن را به عنوان شروعی بر حرکتهای آتی خود، مهم و با ارزش قلمداد می‌کنیم.

سال ۶۹ ویژگی خاصی برای ما داشت و آن مسأله برنامه‌ریزی بود. ما برنامه‌ریزی برای سال ۶۹ را از حدود آذر ۶۸ آغاز کردیم و با زمان‌بندی مشخصی تا پایان سال ۶۸، برنامه‌های سال ۶۹ تدوین شد. اگر چه این برنامه - به عللی که بر شما هم پوشیده نیست - موافقت‌ناقص بود اما به ما نشان داد که اولاً ما باید برنامه‌ریزی را مهم تلقی کنیم و ثانیاً توان آن را داریم که با تحمل فشار بیشتر و پیش‌بینی مسائل، برنامه‌ریزیها را در عمل صحیح‌تر به اجرا در آوریم. به هر حال به نظر من، اگر بخواهیم از امتیازی برای تئاتر در سال ۶۹ یاد کنیم باید همین اصل برنامه‌ریزی را ذکر کرد. ولی اگر نه، صحبت از این باشد که چه موفقیت‌های دیگری نصیب تئاتر کشور شده، باید عرض کنم که توجه به نقش تماشاگر و مردم به عنوان یک رکن اساسی برای فعالیت صحنه‌ای و گسترش تئاتر کشور، همچنین حرکت به سمت ارتقاء تولیدات نمایشی به خصوص در زمینه نمایشهای ایرانی و حمایت از هنرمندان حرفه‌ای تئاتر از یک سو و توجه و حمایت از هنرمندان جوان و مستعد از سوی دیگر، بخشی از ویژگی‌های برنامه‌های ما در سال ۶۹ است. در یک چشم‌انداز می‌توان گفت که بیش از ۱۵۰ نمایشنامه در سال ۶۹ در سالنهای مرکز هنرهای نمایشی - بدون احتساب نمایشهایی که در سالنهای خصوصی به اجرا در آمده است - بر صحنه رفت. البته تعداد اجراها، شمار تماشاگران، میزان فروش بلیت قابل دسترسی است و می‌توان آنها را استخراج کرد. اما علی‌الظاهر، برای اینکه بتوانیم به اصل مطلب بپردازیم، همین قدر کفایت می‌کند ولی مهم از نظر ما این آمار و ارقام نیست. برخلاف تصور عده‌ای که فکر می‌کنند همه توان و تلاش ما بر این است که این آمار و ارقام را بالا ببریم باید بگوییم که ما از نقطه نظر دیگری به آمار و ارقام میزان فعالیتها نگاه می‌کنیم: اولین هدف و نخستین خیزش ما برای توجه به این آمارها و کمیت‌ها، بر این استدلال استوار است که بتوانیم به یک زبان مستقل نمایشی دست پیدا کنیم. ما به شدت اعتقاد داریم که در سکوت و رکود و خمودگی به هیچ وجه کار با کیفیت و آثار با کیفیت تولید نخواهد شد. ما به شدت اعتقاد داریم که در جنب و جوش و حرکت است که جرقه‌های قابل توجه را می‌توان دید و بر آنها انگشت گذاشت و در مجموع، به یک کیفیت

مطلوب دست یافت این، اولین استدلال ما است. دومین استدلال ما، بر این اساس استوار است که اعتقاد داریم تئاتر به عنوان یک هنر مادر، به عنوان یک هنر ممتاز به عنوان یک هنر فاخر، باید از غربت و انزوا خارج شود. و این محتاج به فعالیت و تلاش است. ممکن است عده‌ای معتقد باشند که اگر در طول سال دو کار خوب هم اجرا شود، تئاتر جایگاه شایسته‌اش را خواهد یافت و من اعتقاد دارم که ما همه ساله در طول این ۱۲ سال یک یا دو کار خوب در طول سال داشته‌ایم. اما هیچگاه تئاتر و ضرورت پرداختن به آن و حتی به مشکلات آن در دستور کار قرار نگرفت. اگر امروز ما می‌بینیم که در مجلس شورای اسلامی، در سازمان برنامه و بودجه و حتی در سطح وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پرونده خاص برای تئاتر گشوده می‌شود، و اگر باز می‌بینیم که فعالیت‌های موازی توسط نهادها و دستگاهها و مراکز فرهنگی و هنری دیگر در زمینه تئاتر شدت می‌یابد، همه ناشی از این خیزش و فعالیت است که طبعاً برای نفس کاری که ما بدان می‌پردازیم و طرح خود تئاتر و مسأله هنرهای نمایشی، ضرورتی تام و تمام دارد. و از این بابت هم ما اعتقاد داریم که در سال ۶۹، کارنامه موجود بر اساس همین استدلالها و مطالب دیگری که در همین زمینه وجود دارد، حرکت خوبی را داشته و دنبال کرده و امیدواریم که ان شاء الله این حرکت در تداومش بتواند از سطح به عمق حرکت کند. اگر چه در طی و طول این چند ساله کیفیت و ارتقاء آثار هنری و فراهم آوردن زمینه برای خلاقیت و ابتکار هنرمندان تئاتر - اعم از جوان و حرفه‌ای - همیشه و همواره مهیا بوده و اساساً جزو سیاستها و برنامه‌های ما در مرکز بوده است که بتوانیم با تقویت و ایجاد زمینه‌های فوق‌الذکر، از مرحله گسترش به حیطة و قلمرو تحول در تئاتر دست یابیم.

□ می‌دانیم که ما با یک غرب فکری روبرو هستیم. اعم از شرق کمونیست و غرب سرمایه‌دار. فرمودید تئاتر به عنوان هنر مادر و ممتاز و فاخر باید از غربت و انزوا خارج شود. در آمارها هم به تولید نمایشهای ایرانی اشارتی کردید. چرا مرکز هنرهای نمایشی، به اجرای آثار درام نویسان خوب و متعهد همین غرب فکری غیر ایرانی توجه نمی‌کند؟ و چرا برای روی آوری به سوی آثار نمایندگان و نمونه‌های خوب تئاتر غرب، در سالنها و صحنه‌ها توجه و دقت لازم مبذول نمی‌گردد؟ برای مثال ما در سال ۶۴



نمایش «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» را دیدیم که شاید از نظر شما و کمیت اقبال مردم از همه برنامه‌های نمایشی دوره شاه، تماشاگر بیشتری داشت. این نمایش مسأله و معضل روزمره را مطرح می‌کرد: بر آغالیدن و وزولیدن در مقابل یک سیستم جابر و جانر که این مسأله ما هم هست. مقاومت و استیلا در مواجهه و مقابله با سیستم. سیاستهایی را که در قبال اجرای آثار خوب خارجی و درام نویسان متعهد و مبارز غیرایرانی دارید تشریح کنید برای مثال اشاره می‌کنم به اجراهای: باغ وحش شیشه‌ای، خاطره دو دوشنبه یا امپراتور جونز. اساساً چه نگاه و نگرشی به این مقوله دارید.

■ منتظری - دیدگاه ما در این زمینه، بر این اساس است که اصولاً از این نوع آثار و اجراها حمایت می‌کنیم. ما این را به عنوان مکمل حرکت تئاتر کشور تلقی می‌کنیم. در سیاستهای پیشنهادیمان هم این را اصلاً به عنوان یک اصل منتشر کرده‌ایم. و اگر شما در مجله «نمایش» ملاحظه کرده باشید، سیاستهای پیشنهادی مرکز هنرهای نمایشی و جایگاه تئاتر کشور در این زمینه منتشر شده است و در آن به عنوان یک بند مستقل، روی این موضوع تکیه کرده‌ایم و از آن به عنوان مکمل حرکت تئاتری کشور یاد کرده‌ایم. ما در این زمینه مشکلی نداریم و حتی توصیه‌ای هم به عنوان قطعه نامه در همین حد که در سیاستهای اعلان کرده‌ایم وجود دارد. این دیگر به عهده هنرمندان عزیز است که باید در این زمینه فعال باشند و کار کنند چون ما واقعاً کار سفارشی نداشته‌ایم و نخواهیم داشت، ان شاءالله ما سفارش خاصی به دوستان هنرمندان نخواهیم کرد. بستگی به انتخاب خودشان دارد.

□ - در سال ۶۹ به شکل‌های مختلف، فعالیتهای نمایشی خارج از کشور داشته‌اید. این اقدامات چه تأثیری در روند تحولات هنری و چه اثری بر تئاتر داخلی کشور می‌نهد و آیا حرکتهای اصلاً تأثیری داشته است؟ آیا فکر نمی‌کنید برای یک تحول اساسی‌تر و ارتباطی متقابل و گسترده‌تر باید از گروههای نمایشی خارجی هم برای عزیمت به ایران دعوت به عمل آورد یا نه؟

□ منتظری - یک اصل کلی در کارهای فرهنگی و هنری وجود دارد و آن این است که واقعاً
 تأثیر را نمی‌توان در لحظه دید. اینکه شما می‌فرمائید این اعزام‌ها تأثیری داشته، ارزیابی تأثیر در
 لحظه مشکل است. برای اینکه یک کار فرهنگی و هنری برای نشان دادن آثارش و هم بروز
 بازتابهایی که دارد، نیازمند به زمان است. اما در نگاهی سطحی و گذرا به اعتقاد من تأثیر داشته
 ؛ تأثیرات مثبتی هم داشته است. بخشی از این تأثیرات، معنوی بوده و بخشی از آن هم تأثیرات
 مادی. به هر حال ما باید در این زمینه به هر دو بعد بنگریم. از نظر محوی در هر حال دریچه‌ای
 برای طرح هنر نمایشی ایرانی برای ارتباط با هموطنان خارج از کشور گشوده شده است. این
 حرکت برای مقابله با تبلیغات مسمومی که در باره هنر در این کشور وجود دارد بدون تأثیر
 نیست. الان من اطلاع دارم که پس از رفتن نمایش «سوگ سیاوش» به پاریس برای اولین بار
 پس از پیروزی انقلاب اسلامی، و ارتباطهایی که آنجا برقرار شد و نیز مباحثاتی که به مناسبت
 در آنجا با پاره‌ای از دست اندر کاران هنری پاریس صورت گرفت، و هم ملاقاتهای بعدی که
 با مقامات فستیوال «آوینیون» حاصل شد و پس آنگاه آمدن آنها به داخل کشور ما و سپس
 بازگشت آنها و انعکاس چیزهایی که دیده‌اند، از نظر فرهنگی - هنری قابل ارزش گذاری و
 ارزیابی است. و آنچه من اطلاع دارم اینکه جای پا و خط مثبتی را از خود بجای گذاشته.
 به طوری که شنیدم روزنامه «لیبراسیون» در شماره‌های گذشته‌اش، سه صفحه مطلب راجع به
 تئاتر سنتی ما و جشنواره تئاتر فجر مطلب داشته است و یا به رغم اینکه خبرنگار مجله
 «اکسپرس» به ایران نیامده بود، تلفنی اینجا دنبال ما می‌گشت که مصاحبه کند و دسترسی
 پیدا نکرده بود و اینجا یک نفر از دوستان اخباری در باره جشنواره فجر و تئاتر ایران به ایشان
 داده بود. این جدای از اینکه چه فردی یا چه گروهی و چه کاری به خارج رفته یا می‌خواهد برود
 یا مطرح باشد، از نظر نفس قضیه برای تئاتر کشور ما با اهمیت است و برای خروج ما از این
 مظلومیت مضاعفی که بدان دچاریم با اهمیت است. و باز از نظر فنی و هنری هم به هر حال
 هنرمندان ما می‌روند و با دنیایی جدید آشنا می‌گردند، با تماشاگران جدیدی با ذهنیت‌هایی
 نو بر خورد می‌کنند و این می‌تواند تأثیر فرهنگی - هنری مثبتی را در آثار آنان و علاقمندی‌شان
 به کاری که انجام می‌دهند بگذارد. اینها در واقع، بیشتر نگاهی است اجتماعی به موضوع،
 که باید به آن توجه کنیم و مهم هم هست. یعنی اگر این نکات را ما در ارزیابی‌ها و



بررسیهایمان فراموش کنیم و صرفاً به این بچسبیم که حالا تئاتر ما آیا از نظر اجرایی توانسته خود را یک پله بالا کشد یا نتوانسته به بن بست می‌رسیم. ما باید به همه این عوامل، با هم بنگریم و طبیعتاً در مورد خاص موضوع اجرا و خاص موضوع ارتقاء فنی آثار فکر می‌کنم باید منتظر زمان بود. ولی بدون شک، بی‌تأثیر نخواهد بود. اگر گروهی که می‌رود در فستیوال هم شرکت کند که دیگر نور علی نور خواهد شد. برای اینکه برای گروهها به سادگی فراهم نیست که به ۲۰ یا ۳۰ کشور سفر کنند ولی در یک فستیوال شرکت می‌کنند و با کار ۱۰ یا ۱۵ کشور برخورد می‌کنند، مواجه می‌شوند و می‌بینند. مگر این مهم می‌تواند بدون تأثیر باشد؟ قطعاً تأثیر خواهد داشت. شما به خوبی مستحضرید اگر ما بتوانیم این خط ارتباطی را از تهران به شهرستانها منتقل کنیم، آنگاه خواهید دید که سودش به تئاتر کشور هم خواهد رسید و تنها در محدوده تهران و گروههای تهرانی هم این دایره، بسته نخواهد ماند بلکه برای هنرمندانی که استحقاقش را داشته باشند، به نحوی زمینه‌هایی فراهم می‌شود که آنها هم بتوانند بروند. این هم یک تأثیر مثبت دیگر. به هر حال از نظر مادی هم کم و بیش برای هنرمندان ما، اجرای این برنامه‌ها مزایایی دارد که حق طبیعی‌شان است و فکر می‌کنم که واقعاً این مسائل مادی قابل توجه و تأمل نیست، اما برای تئاتر و هنرمندان تئاتر که قانع هستند می‌تواند امتیازی محسوب گردد. به هر حال امید ما این است که با تدوین ضوابط و با دستیابی به اصول مدونی در این زمینه بتوانیم تأثیرات این حرکت را افزون کنیم و نتایج مشرث‌تری هم برای تئاتر کشور ببار آوریم.

- - در مورد دعوت گروههای خارجی...
- منتظری - اصولاً ما در حال تجربه هستیم، کما اینکه دیدید در فستیوال اول عروسکی تهران ما دو گروه از آذربایجان شوروی و هندوستان دعوت کردیم و در جشنواره دوم ۸ گروه از ۸ کشور. احتمال اینکه در جشنواره سوم این تعداد بیشتر باشد - که بستگی به آثار و کارها دارد - وجود دارد. در عین اینکه ما یک گام هم برای تئاتر در این زمینه برداشته‌ایم و آن، حرکت به سمت بین‌المللی کردن جشنواره تئاتر فجر است که امیدواریم در سال ۷۰ بتوانیم با شرکت

گروههایی از کشورهای اسلامی به این خواسته تحقق بخشیم و بالطبع پس از گذشت زمان و در سالهای آتی بتوانیم از کشورهای دیگر به صورت جنبی و مهمان دعوت کنیم. به هر حال این کار محتاج برنامه‌ریزی دقیق و صحیحی است که خدای نا کرده به تئاتر کشور لطمه وارد نیاید. باید با مطالعه، دقت و با ظرافت و بتدریج گام برداشت و در عین حال توجه داشت که ما به یک سری اصول و ارزشها اعتقاد داریم و نیز معتقدیم که اگر این اصول و ارزشها محفوظ بماند، می‌توان هر کاری انجام داد ولی اگر بنا باشد که به این اصول و ارزشها لطمه و خدشای وارد شود، واقعاً ترجیح می‌دهیم که حرکتی و فعالیتی نکنیم چرا که ما مطمئنیم تمام این تلاشها و حرکتها و زحمتهای به هر حال باید هدفی مشخص داشته باشد و آن خدمت به مردم و فرهنگ و هنر این مملکت است و قطعاً ما امید داریم که ان شاءالله در سال ۷۰ این خواسته را عملی کنیم.

□ - چرا در اولین حرکتها به سوی بین‌المللی کردن تئاتر ایران از متن اوریزینال و ویژه دراماتیک استفاده نشد. «سوگ سیاوش» تبدیل متنی منظوم و غیر دراماتیک به زبان تئاتر و نقش و نقل آن است هنوز تعاطی و تلاقی در مورد گنجایشها و ظرفیت‌های دراماتیک شاهنامه در مرحله آزمون است و ما به نتیجه و استنتاج قطعی که قابلیت ارائه به جهانیان را هم واجد باشد نرسیده‌ایم. متن سوگ سیاوش آقای هانفی را من خواندم و بررسی کردم و دیدم این متن چیزی مگر یک تجربه در سمت و راستای ترجمان و برگرداندن زبان نظم فارسی به نثر نمایشی بیش نیست. آمیزه و ملغمه‌ای از شعر و نثر فارسی. در حالی که آینده شعر فارسی از نظر ظرفیت‌های نمایشی هنوز جای بحث دارد و به قول نیما در کتاب «حرفهای همسایه» بسیاری از نمایش‌هایی که براساس شاهنامه تنظیم شده «کودکانه» است. البته این نظر نیما با توجه به نمایش‌هایی است که در هزاره شاهنامه اجرا شده. چرا ما در اولین گامهایی که در خارج از کشور برداشته‌ایم با یک متن اپیک یا حماسی و باستانی و براساس داستانهای شاهنامه شرکت کرده‌ایم؟ در حالی که واقعاً آثاری برگرفته از مرزبان نامه، شاهنامه یا آثار نظامی هنوز معضل و تنگنای تئاتر معاصر است و برای ما حل نشده. آیا



این نقص غرض نبوده که با یک متن مختص و ویژه دراماتیک در خارج از کشور شرکت نکرده ایم؟

□ منتظری - به هر حال این نظر شما، یک پیشنهاد است و در حد پیشنهاد هم می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. اما این نکته را فراموش نکنید: همان‌طور که این بحث از زمان نیما به جا مانده، پس از ما هم این بحث خواهد بود. این بحث تمامی ندارد چون ما اینجا هنوز در مورد نمایش‌های منظوم و منشوری که با استفاده از این متون نوشته می‌شود و نیز شناخت و ابداع یک اسلوب و شیوه خاص نمایشی به نقطه نظر مشخصی نرسیده‌ایم، این دلیل بر آن نمی‌شود که وقتی نمایشی را به خارج از کشور می‌بریم باید این نوع مسائل حل شده باشد. اینها جزو مباحث فکری و نظری است که همیشه وجود خواهد داشت چون اگر این بحث‌ها تمام شود، دیگر بنده و شما نان چینی را می‌خواهیم بخوریم؟! این بحثها همیشه باید وجود داشته باشد و این دلیل محکمی نیست. خصوصاً که من واقعاً به پیشنهاد شما احترام می‌گذارم و آن را قابل بررسی هم می‌دانم.

□ - ما ادبیات اپیک و لیریک داریم، اما ادبیات دراماتیک نداریم. یعنی سنت و صبغه ادبیات نمایشی نداریم. و زبان موزون و مقفی ما به کار تئاتر نمی‌آید. من در هزاره تدوین شاهنامه سه «اسفندیار» دیدم که در یکی از آنها دیالوگها به شکل منظوم بود.

□ - منتظری - این یک نقطه نظر است. و واقعیت قضیه اینکه برای من قبل از اینکه این چیزها مهم باشد، خود تئاتر مهم است. یعنی هویت تئاتر و یا موضوعی به نام تئاتر. و طبیعتاً به عنوان یک مسئول خود را موظف به حمایت از کسانی می‌دانم که زحمت می‌کشند و کار می‌کنند حالا متن‌شان منظوم است، منشور است. آن دیگر واقعاً در حوزه‌های بحث تخصصی و فنی است که باید کارشناسان و صاحب‌نظران و منتقدان و اندیشمندان نظر بدهند و اگر به جایی هم رسیدند به دست ما بدهند تا ما هم اجرا کنیم. اینها در حول و حوش همین مباحث روزنامه‌ای و مطبوعاتی و محافل روشنفکری است. از ما نباید توقع خاصی در این زمینه داشت. حالا جالب

است برای شما بگویم که مثلاً دیروز پیشنهادی آمده و آقای پیشنهاد داده‌اند که این مجله نمایش شما یک کمبود اساسی دارد. البته تحصیلات این خواننده مجله نمایش تئاتر نیست ولی الان اینجا تئاتر کار می‌کنند و به هر حال از کسانی هستند که سابقه مختصری هم در تئاتر دارند. و فرموده‌اند که مجله شما یک کمبود اساسی دارد و آن اینکه در مجله شما شعر نیست. و بعد هم استدلال کرده‌اند که اصلاً تئاتر از شعر بوجود آمده و اولش هم شعر بوده است. این هم یک نظر است و باید دید گاه ایشان. همه کارهایی که ما مطرح می‌کنیم، باید نقش و نما و جنبه و وجهی از شعر در آن ملاحظه شود.

□ - شاید منظور شعر دراماتیک بوده که ریشه تئاتر هم هست...

□ منتظری - منظور ایشان همین شعری است که شما الان از آن یاد کردید و وزن و قافیه و چه و چها دارد. دیگر بحث عمیقی در این زمینه انجام نداده‌اند. غرضم این بود که دید گاهها گاه این همه محدود و سطحی است و گاهی هم مباحث عمیق و کهنه‌ای در این زمینه وجود دارد که از ما نباید توقع داشت که حالا یک شبه اینها را حل کنیم. کار ما هم این نیست. این، کار گروهی صاحب نظر است که هر موقع به نتیجه مشخص رسیدند به ما هم بگویند، ما هم اجرا می‌کنیم.

□ تئاتر ایران را در عرصه بین‌المللی و خصوصاً در بین کشورهای در حال توسعه و جهان سوم و باز به خصوص بین کشورهای مسلمان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

□ منتظری - من آشنایی عمیقی با تئاتر جهان و تئاتر امروز جهان و یا تئاتر کشورهای در حال توسعه، جهان سوم و یا کشورهای اسلامی ندارم. واقعاً اطلاعات من عمیق نیست. همین اندازه که مطلع هستم و براساس چیزهایی که در ارتباط با تئاتر جهان مطالعه کرده‌ام باید بگویم ما با تئاتر امروز جهان فاصله زیادی داریم. به خصوص با تئاتر مدرن که خیلی فاصله داریم و دلایل زیادی هم وجود دارد که جای بحثش اینجا نیست. اگر چه ما خیلی هم احساس عقب ماندگی



از این قافله نمی‌کنیم. که حالا خیلی عقبیم پس چه خواهد شد. نه! خیلی نگران این نیستیم که ما از این قافله خیلی عقبیم. ولی واقعیتش این است که به هر حال فاصله زیادی با تئاتر امروز جهان داریم. در مورد کشورهای جهان سوم، موضوع قدری متفاوت‌تر است. اگر ما کشورهای آمریکای لاتین را در نظر بگیریم و با اگر کشورهای را که در همین خاورمیانه وجود دارند مدنظر قرار دهیم، به نظر می‌رسد که آنها از نظر ایده‌ها و مسائل مشترک با ما مشابه‌اند و در آثار ادبی یا ادبیات نمایشی‌شان می‌بینیم که خیلی از مسائل مشترک و مطروحه‌ی ما هم در آنها وجود دارد و از ما هم جلوتر هستند. ما می‌توانیم - نه به عنوان الگو - به عنوان همان تکمیل‌کننده حرکتی که در داخل داریم به آنها نگاه و توجه کنیم و استفاده‌هایی را هم ببریم. برای اینکه حداقل خیالمان راحت است که آنها نگاه تحقیرآمیز به ما ندارند و با قصد سوء استفاده از ما نخواهند داشت. من فکر می‌کنم که آنها از ما جلوتر هستند. به خصوص در آمریکای لاتین، پیشرفت در کار تئاتر، فوق‌العاده است و می‌توان نگاهی به آنجا داشت. در مورد کشورهای اسلامی و یا همین کشورهای همسایه و در کشورهای عربی آن سمت خلیج فارس، قهراً و اساساً تئاتر ندارند. پاکستان هم تئاتر ندارد، به آن معنایی که ما داریم و ما از آنها جلوتر هستیم. اما در مورد ترکیه، با اینکه خیلی سعی می‌کند خود را کشوری اروپائی جلوه دهد، من فکر می‌کنم چیزی ندارند مگر آنکه به همان «قره‌گز» شان بچسبند و روی همان کار می‌کنند که البته قابل تأمل هم هست. و الا آنها هم آدا و اصول اروپاییها را در می‌آورند و خودشان را هم آدمهای حقیر شده‌ای تلقی می‌کنند. خیلی دست و پا می‌کنند تا اروپایی جلوه کنند و چیزی هم ندارند. هندوستان هم به‌رغم فرهنگ و تمدن و جمعیت بی‌نظیرش، چیز خاصی ندارد، البته هند جزو کشورهای اسلامی تلقی نمی‌گردد. لبنان، سوریه، الجزایر، سودان، تونس و مصر هم کمابیش تئاترهای در خور توجه دارند. در سوریه گروهها و افرادی هستند که ما می‌توانیم هم سنگ آنها باشیم و هستیم. و برای یکدیگر می‌توانیم مفید باشیم. نیز، در لبنان گروههایی هستند، ادعاهایی هم در زمینه تئاتر مردمی در آنجا وجود دارد. در مصر، بدنیست منتها ما به خاطر قطع ارتباطی که داشتیم و داریم خیلی از آنجا مطلع نیستیم. در مراکش هم، بیشتر تئاترها در فاز کار «کاباره» ای و این تیپ‌ها هستند. شاید در تونس و سودان هم اینگونه باشد حالا سودان را دقیق نمی‌دانم. ولی تونس و مراکش، بیشتر در مایه

کارهای کاباره‌ای هستند. شاید حتی اصطلاح تئاتر کاباره‌ای هم برایشان زیادی باشد. همان رقص و آواز و پایکوبی‌های بی‌مزه - خیلی دست پر نیستند. البته به نظر من، کشورهای اسلامی که در آفریقا هستند، حرفی برای گفتن دارند چرا؟ چون تکیه و پشتوانه‌شان «آئین» است و به نظر من هر جا که روی آئین و مراسم آئینی تکیه شود، جوهر ناب درام را می‌توان یافت. پاره‌ای از کشورهای اسلامی که در آفریقا واقع شده‌اند، از این امتیاز برخوردارند. به هر حال این واقعاً نگاهی است گذرا که شاید حرف هم در پی داشته باشد ولی تا اندازه‌ای که ما مطلع هستیم و خبر داریم، وضعیت ما در مقایسه با وضعیت فعلی مان بدین گانه و گونه است. اما من تمایل دارم به نکته‌ای اینجا اصرار کنم و پای فشارم و آن اینکه اگر ما بخواهیم عرض اندامی در مقابل دیگران کنیم، - چه در مورد کشورهای پیشرفته اروپائی و آمریکایی و چه کشورهای جهان سوم و چه کشورهای اسلامی - باید به هویت دینی و ملی مان تکیه کنیم. به نمایشهای سنتی و مذهبی مان مثل تعزیه تکیه کنیم. اینها، هم جذابیت خاص خود را دارند هم دارای جوهر نمایشی‌اند و هم متعلق به خود ماست و ما با دست پر چه در زمینه متون و چه در زمینه شیوه و انحاء اجرا - می‌توانیم روی آنها حساب کنیم.

□ در مورد پیشنهاد خوب دعوت از کشورهای مسلمان که مطرح فرمودید آیا به نظر شما برای تکمیل این پیشنهاد که کشورهای مسلمان از نظر فرهنگی - آئینی به ما خیلی نزدیک تر هستند و باید با ما در داد و دهش و ارتباط باشند، برای جبران نقیصه تکنیک تئاتر آیا اگر ما هم با کشورهای غربی در تماس باشیم و هم با کشورهای مسلمان بهتر نیست و نمی‌توانیم از هر دو جنبه برداشت وسیع‌تری داشته باشیم؟

□ منتظری - ببینید! این کار احتیاج به مطالعه دارد و ظرافتهای خاص خود را می‌طلبد و باز توضیح دادم که ما برای شروع، فعلاً همین حد را کافی می‌دانیم. ممکن است در سالهای آتی، این کار صورت گیرد که توضیح‌اش را دادم. ممکن است در سالهای آتی، اگر ما توفیق نسبی در این امر به دست آوریم آنگاه بتوانیم از گروههای دیگر که به هر حال با فرهنگ و هنر ما همسازتر و همسازتر باشند، دعوت کنیم که بیایند و به صورت جنبی در فستیوالها



شرکت کنند، یا گروههای داخلی و گروههایی که از کشورهای اسلامی دعوت می‌شوند، آثارشان را به نمایش بگذارند. منتها این، هم محتاج فرصت و مطالعه است و هم اینکه باید با دقت و ظرافت خاصی دنبال شود تا خدای نا کرده به اصل موضوع و حرکت، لطمه‌ای وارد نشود.

□ پس از دیدن جشنواره تئاتر دهه فجر سال ۶۹ به نظر چنان رسید که به رغم همه تلاشها و فعالیتها، تئاتر شهرستانها آن تحرک و پیشرفت لازم و بایسته را ندارد. به نظر شما دلایل یا مشکلات چیست؟

□ منتظری - البته من با برداشت شما موافق نیستم. نمی‌دانم شما کارها را دیده‌اید یا نه؟ یا مبنا و ملاک ارزیابی و مقایسه شما چیست؟ استنباط شخصی من این است که ما در قواره و اندام تئاتر شهرستان، گامی به جلو برداشته‌ایم. اگر نگاه کنیم این نهالی که در طول این چند ساله غرس شده آیا باری داشته و یا رشدی کرده و جوانه‌ای زده، به نظر من این همه را می‌شد در جشنواره تئاتر فجر سال ۶۹ دید و دریافت. منتها ممکن است ما توقعات فوق‌العاده‌ای از تئاتر شهرستان داشته باشیم. که این تنها علتش، توقع فوق‌العاده ماست باید توقع و میزان رشد را در سطح امکان و بضاعت علمی و هنری و بچه‌های شهرستان سنجید. و من اعتقاد دارم که این جوهر و رگه‌ها در کارهای دهه فجر سال گذشته جوانه زده و شکوفا شده بود. اگر ۸ کار سال پیش را با ۸ کار پیرامون مقایسه کنید می‌بینید که همه آثار یک سر و گردن بالاتر از تالی‌های پار و پیرارند. نه اینکه سال ۶۸ کارها بد بود. نه آنها هم کارهای خوبی بودند. ممکن است که کارهای خوب دیگری هم بوده‌اند که نتوانستند به جشنواره راه یابند ولی به هر حال ما توان و بضاعت شهرستان را به نمایش و دید و داوری گذاردیم، که از میان ۳۸۰ کار ۸ کار نخبه انتخاب شود. ما این را نگاه و مقایسه می‌کنیم با سال ۶۸. در این مقایسه عبوری می‌بینیم کارهای سال ۶۹ یک سر و گردن از کارهای سال قبل بالاترند. پس ما در اینجا کمی با هم هم عقیده نیستیم. این مشکلات را تئاتر حرفه‌ای ما هم دارد، خود سازمان تئاتر کشور هم دارد. این مشکلات، مشکلاتی نیست که واقعاً یک شبه حل شود. احتیاج به فرصت و زمان دارد.

من واقعاً نمی‌خواهم جسارتی بکنم اما ببینید بچه‌های شهرستان اعتقاد به آموزش دارند و می‌گویند برای ما کارشناس و مربی بفرستید. ما معتقدیم که آموزش حضوری یکی از اقسام آموزش است هیچ کس تا حالا نگفته که آموزش، در آموزش حضوری خلاصه می‌گردد ما برای شما کتاب می‌فرستیم، جشنواره برگزار می‌کنیم، این همه برای کیست؟ بخشی از کار ما در این جشنواره، بعد آموزشی است. همین جلسات نقد و بررسی است چون اگر برای ما فراهم بود که از اول تا آخر سال کلاس ترتیب دهیم که فبها، احتیاج نبود که شما به ما فشار بیاورید یا بر آن تأکید کنید. خود ما هم متوجه هستیم که این نیاز وجود دارد. شما باید از این بچه‌ها پرسید که هر کدام از شما از این راه‌های دور و دراز که آمده‌اید آیا یک کتاب تئاتر در طی طریق و سفر ۱۰ روزه‌تان خوانده‌اید یا نه؟ دوستان ما باید توجه کنند. به هر حال مشکلات هست ما هم منکر نیستیم. نه تنها تئاتر شهرستان بلکه تئاتر کشور ما با مشکلاتی مواجه و رویاروی است. اینها، پاره‌ای مشکلات فرهنگی، مالی، هنری و تشکیلاتی است و درست هم هست. اما چه باید کرد؟ آیا به دلیل وجود مشکلات می‌توان گفت که ما کتاب مطالعه نکنیم؟ چرا که همین کتاب که حداقل به صورت رایگان برای دوستان شهرستانی فراهم و سرمایه‌گذاری شده و برایشان ارسال گردیده و در کتابخانه هم موجود هست آیا نباید آن را بخوانند؟ این از نظر شما هم قابل قبول نیست که گاهی سهیل انگاریها و تنبلی‌ها را توجیه کنند.

□ در کنار برگزاری جشنواره‌های تئاتر، آیا امکان برگزاری جشنواره ویدئویی که ضمناً هم آرشیوی برای مرکز تلقی خواهد شد و هم می‌تواند کمک و مدد رسان و یاریگر تئاتر شهرستان هم باشد وجود دارد؟

□ منتظری - ابتدا بپردازیم به صحبت آقای دکتر صادقی در مورد اعزام مربی و کارشناس. ما مشکلی نداریم مشکل در کارشناسان است و هنرمندانی که باید این کار را سروسامان بخشند. اولاً خیلی‌ها اعتقاد دارند با یک ماه آموزش نمی‌توان کاری کرد. ما یک دوره این را تجربه کردیم. شاید چهل پنجاه کارشناس را به مدت یک ماه به شهرستانها اعزام کردیم



صرفنظر از تفاوت میزان توانمندی اساتید و کارشناسهایی که اعزام شدند، این تجربه انجام شد و قطعاً بدون اثر نبود، اما بسیاری از دوستان معتقدند که فایده‌ای ندارد و با یک ماه نمی‌توان کاری کرد. این کار باید مستمر باشد. پس باید کسانی را که واقعاً در این حرفه و رشته کار کرده‌اند و توانایی آموزش دارند، به شهرستانها اعزام کنیم. اینها هم اولاً تعدادشان محدود است و ثانیاً مشکلاتی دارند و نمی‌توانند شش ماه تا یک سال به شهرستان بروند. اگر کسانی باشند و بخواهند به شهرستانها بروند ما آمادگی را داریم. و فکر می‌کنم ادارات کل ما و ادارات فرهنگ و ارشاد اسلامی در شهرستانها این آمادگی را دارند. مشکل در تأمین استاد و مربی آموزشی است.

در مورد جشنواره ویدئویی، البته می‌دانید که این کار الان در سطح دنیا انجام می‌شود و ما در دنیا جشنواره تئاتر ویدئویی هم داریم که بر گزار می‌شود و در آنها بیشتر هنرمندانی که در تلویزیون کار می‌کنند یا گروههایی که به صورت تولیدی تئاتر ویدئویی تهیه می‌کنند شرکت دارند. در داخل کشور ما این امکان برای همه گروهها وجود ندارد. برای ما در تهران به هر حال امکاناتی هست و فراهم آمده. ما دقیقاً با نیت آموزش، وسایلی را برای ضبط کلاسهای آموزشی و بعضی از آثار خریداری کرده‌ایم و در پی تحقق این امر هم هستیم و شاید تا پایان سال ۶۹ هم پاره‌ای از تولیدات آموزشی ما آماده و تکثیر و به شهرستانها ارسال شود.

□ نقش کانون نمایشهای مذهبی و سنتی مرکز هنرهای نمایشی در رشد و اعتلای اینگونه آثار چه بوده و آیا این مکانت رسمی توانسته گامی هر چند اندک، در راه گسترش و وسعت این گونه آثار بردارد؟ و نیز توضیحاتی در باره جایگاه کانون منتقدان تئاتر بیان کنید.

□ منتظری - کانون نمایشهای مذهبی و سنتی، به هر حال در ابتدای راه است. منتها در همین ابتدا هم منشأ آثار مثبتی بوده است. این کانون تا کنون به جز برگزاری دو جشنواره کلاس‌هایی در زمینه نمایشهای سنتی چه به صورت تک درس و چه به شکل دوره‌های کوتاه مدت - تشکیل داده که فی‌الجمله از اهم و اتم فعالیتهای آن بوده است. مهمترین کار این

کانون، توجه جامعه هنری کشور به جلب و جذب نمایش سنتی بوده و نیز حمایت‌های لازم از پیش کسوتان نمایش سنتی ایرانی. هم از این رو است نشر کتاب «دفتر تعزیه» و نیز با یاری همین کانون سو گوواره تعزیه‌ای در استان سمنان برگزار شد. در سال ۶۸ نیز، ما سو گوواره تعزیه در استان اصفهان برگزار کردیم و ان شاء الله در نیمه دوم مرداد ماه ۷۰ سو گوواره سراسری تعزیه برگزار خواهد شد. اینکه چه میزان یا چقدر این کانون توانسته در ارتقاء آثار نمایشی سنتی قدم بردارد، از همان موضوعاتی است که نیازمند زمان است، شما می‌دانید نمایش سنتی ما آلودگیها و شوائبی داشته است. این کانون در پالایش این آلودگی‌ها، زحمت فراوان کشیده است. در زمینه نمایش مذهبی نیز، بعضی از نسخه‌ها را نشسته‌اند و اصلاح کرده‌اند و با گروههای تعزیه خوان و شبیه گردان جلساتی گذاشته‌اند و مذاکراتی کرده‌اند تا نسخ تعزیه را پاکیزه و منقح و منزه کنند. در زمینه امر پژوهش هم، دفتر پژوهش‌های تئاتری ما مشغول پژوهیدن این قلمرو است. موضوع پژوهش تئاتر یا هنرهای نمایشی یا در زمینه نمایشهای سنتی و مذهبی واقعاً با اهمیت تلقی شده و دوستان ما دست‌اندر کار فعالیت در این زمینه‌ها هستند.

در مورد کانون منتقدان تئاتر باید بگویم سعی و تلاش این کانون بر این است که همان گونه که در اساسنامه این کانون هم اعلام شده بتواند به عنوان یک حرکت تکمیلی در کنار حرکت تئاتر، با شکل و سازماندهی مناسب فعالیت کند. اهداف و وظایف این کانون در اساسنامه‌اش مشخص است و در صورت لزوم می‌توانید مراجعه و استفاده کنید. از نظر ما، واقعاً نقد را در تئاتر اساسی می‌دانیم و مهم می‌شمریم. من شخصاً نقد را در کار تئاتر خیلی اساسی می‌دانم و معتقدم که باید تسهیلات لازم برای منتقدان فراهم شود و دستگاههایی مثل مرکز هنرهای نمایشی، بدون هیچ گونه چشمداشتی باید با احترام به نقطه نظرات گوناگون زمینه و جورا فراهم و مساعد کنند. منتقدان ما باید بتوانند اولاً با آثار و تولیدات هنری ما برخورد کنند و مورد ارزیابی و نقد و نظر قرار دهند و با خود هنرمندان باید به راحتی و آسانی بتوانند برخورد داشته باشند و با هم مسائل شان را رویاروی و مطرح کنند. دودیکر اینکه، در زمینه صنفی و حرفه‌ای بتوانند از حقوق شان دفاع کنند، چرا که به عنوان مجموعه‌ای از خانواده تئاتر کشور وظیفه‌ای را در مطبوعات به عهده گرفته‌اند و به دوش دارند و زحمت



می‌کشند، باید جایگاه و کارشان با اهمیت تلقی گردد. اگر هنرمند تئاتر روی صحنه زحمت می‌کشد، و اگر همکاران ما به عنوان ستاد تئاتر کشور در اینجا زحمت می‌کشند، ناقدان تئاتر هم به عنوان کسانی که ارتباط هنرمندان و مجموعه اجرایی تئاتر کشور را با مردم و افکار عمومی آشنا و نزدیک می‌سازند، وظیفه مهمی به دوش دارند که باید جایگاهشان به شایستگی مورد توجه قرار گیرد. ما نگاهمان به کانون منتقدان تئاتر از این زاویه است و طبیعتاً اعتقاد داریم که ناقدان بتوانند آزادانه مطالبشان را در مطبوعات، رسانه‌ها، روزنامه‌ها و مجلات مطرح کنند. منتها این تقاضای عاجزانه را هم داریم که واقعاً به نقد آثار بپردازند. به کار تئاتر و نمایش بپردازند و از فحاشی و افتراء و تهمت بپرهیزند. این کار ناقدان را سبک می‌کند و ارزش فرهنگی - هنری نوشته‌ها را پائین می‌آورد. و بعد هم از آن استنباط مسائل شخصی می‌شود. واقعاً باید به کار بپردازند یا اینکه بگویند متن ضعیف است، این هم دلایلش. ما به سهم خود از این گونه نقدها استقبال می‌کنیم و اشکالی هم ندارد. ولی اگر قرار باشد که در دو صفحه نقد، یک صفحه‌اش در باره دیر چاپ شدن بروشور باشد، این نقد تئاتر نیست. مهم نیست این هم نوشته شود نه اینکه نوشته نشود منتها اسم این دیگر، نقد تئاتر نیست. یا اگر هست من نمی‌دانم شاید اطلاعی ندارم، شاید اطلاعات من در این زمینه ضعیف است.

□ - به قول رولان بارت نقد یا نه؟ آیا نقد همان نه گفتن و نفی است یا نقل و نقد؟ چرا نقد ژورنالیستی تئاتر معاصر ایران، همپای تئاتر انقلاب، رشد و بالیدن و برکشیدن نداشته است؟ و ناقدان با همان عیارهای پاروپیرار با تئاتر گلگون و خونین انقلاب مواجه می‌شوند؟ و حتی نقد یا نه خویش را به دور از نگاه کلی و محیط بر تمامت ساخت و مساحت جامعه معاصر سرزمین ما تلقی می‌کنند؟ آیا نقد باید بر تمام یک نمایش به عنوان اثری تجربیدی و تفریدی و به دور از کل و بیرون از نگاه ناقد به جامعه، سیاست، فرهنگ و به جز اینها باشد یا نقد تنها زمینه و آسمانه‌ای است برای کل زمانه و زمینه؟

□ - منتظری - اولاً آقای علی آبادی شعر گفته‌اند، یک. دو دیگر اینکه ایشان هم جزو همین

طبقه هستند. جزو منتقدان فعال و جوان هستند و زحمت می کشند و سوم اینکه شما خیلی یک سویه به قاضی رفته اید. واقعاً این طور نیست. به نظر من ما دوستان منتقدی داریم که خوب می نویسند، خوب نگاه می کنند و زمینه و زمانه را هم مورد نظر دارند. از افراط و تفریط پرهیز می کنند، معتدل، به نقد آثار می پردازند. و خوب اگر گاهی یک نفر خطا می کند که نباید به حساب همه منتقدان گذاشت. ثانیاً اگر ما واقعاً معتقدیم که باید به آراء و اندیشه ها احترام گذاشت، در همین حد باید آراء و اندیشه همان کس را که از نظر بنده و شما خطا کار است، باید به همان هم احترام گذاشت. منتها با مباحثه و مجادله و نیز عرضه الگوهای صحیح می توان اصلاحش کرد، گاهی این دوستان جوان ما گناهی ندارند چون الگوی صحیحی در اختیارشان نبوده یا فکر می کردند که مثلاً با فحاشی می توان کاری کرد یا گاهی اوقات نقدها تحت تاثیر مسائل شخصی تدوین می شوند تا زمانی که ما خود را در جایگاه خدمت به فرهنگ و هنر و حرفه مان ندانیم بالطبع این مسائل وجود خواهد داشت، و این هم تنها متعلق به کشور ما نیست. در همه جای دنیا، به هر حال کسانی که دستی به قلمی دارند و در مطبوعات یا روزنامه ها کار می کنند، اگر بخواهند روزی با کسی تسویه حساب کنند، می کنند این را نباید به حساب همه گذاشت. من فکر می کنم ان شاء الله این کانون بتواند بخشی از آن آرمانها و ایده آلهای خوبی را که شما مطرح می کنید جامه عمل بپوشاند و طبیعی است که این کارها با صبر و حوصله و استمرار اصلاح خواهد شد. والا با کم حوصلگی و عدم تحمل و طرد افراد قابل حل نیست بلکه بجایش احتمال ایجاد ناهنجاری و تروایت افراد عقده ای خواهد بود و به هر حال امیدواریم که کانون منتقدان نتواند بتواند به این آرمانها و ارزشها و اصولی که شما به آن اشاره می کنید، بتدریج دست یابد.

□ - هدف از جشنواره تئاتر جوانان که قرار است در سال ۷۰ از سوی مرکز گسترش هنر تجربی جوانان برگزار شود چیست و چه اهدافی را دنبال می کند.

□ منتظری - جشنواره تئاتر جوانان، پاسخی به یک نیاز عمومی در حوزه فرهنگ و هنر کشور است. به عبارتی، ما اعتقاد داریم با توجه به جمعیت جوان کشور و همچنین با توجه به



آینده‌نگری و نیز توجه به کشف خلاقیتها و استعدادهای جوانان، ایجاب می‌کند که ما برای این قشر فعال و پویا برنامه‌ای در اندازیم، حاصل اولیه این فکر، برگزاری جشنواره مختص جوانان است که جوانان بین سنین ۱۸ تا ۲۵ سال را در بر می‌گیرد، ما از نظر حضور افراد در این جشنواره این محدودیت سنی را قائل شدیم. طی مذاکراتی که با مسئول این مرکز داشتیم مقرر شد که این فکر را پخته و دنبال کنیم. جمع‌بندی مختصری از موضوع به دست آوردیم و بعد با معاونت امور هنری، آقای مهندس خوشرو مطرح کردیم، ایشان هم استقبال کردند و جمع‌بندی نهایی ما این شد که با قوت هر چه تمامتر این جشنواره را برگزار کنیم. چرا که در کنار همه فعالیتها و تلاشها، جوانان محتاج به توجه ویژه‌اند.

□ - جایگاه تئاتر حرفه‌ای در کجاست؟

□ منتظری - واقعیت این است که ما تئاتر حرفه‌ای نداریم. ما هنرمند حرفه‌ای تئاتر داریم. شما بهتر از من می‌دانید که تئاتر حرفه‌ای، تعریف خاصی دارد. اصولاً با توجه به تشکیلات فعلی تئاتر کشور، شاید ادعای داشتن تئاتر حرفه‌ای مشکل باشد و بهتر است که ما بگوئیم جایگاه هنرمندان حرفه‌ای تئاتر کجاست. اعتقاد دارم که اگر ما بخواهیم تئاتر شهرستان را تقویت کنیم، اگر بخواهیم حضور شایسته‌ای در مجامع بین‌المللی داشته باشیم و اگر بخواهیم جوانان مستعد را با الگوهای کیفی آثار نمایشی آشنا کنیم. باید توجه لازم را به هنرمندان حرفه‌ای تئاتر داشته باشیم. برای اینکه بتوانند با یک آسودگی خیال و امنیت حساب شده به کار پردازند و آثارشان را بر صحنه بیاورند جایگاه هنرمندان حرفه‌ای تئاتر را هم ما با همین دیدگاه تبیین و تعیین می‌کنیم. یعنی اعتقاد داریم باید تسهیلات و حمایت‌های مالی و فنی از هنرمندان حرفه‌ای تئاتر به عمل آید تا بتوانند آثارشان را بر صحنه بیاورند. البته ما در این زمینه نباید بخشنامه‌ای یا اداری برخورد کنیم. اگر هنرمندان حرفه‌ای تئاتر پیشگام شوند و برای کار جلو آمدند، ما هم استقبال می‌کنیم و از کار آنها و خود آنها حمایت‌های لازم را به عمل می‌آوریم. این سیاستی است که ما در پیش داشته‌ایم. در کنار تعامت اینها، سیاستها و برنامه‌ریزیهای تشویقی هم وجود دارد. از جمله اینکه به هر حال تکلیف محل اجرای آثار

حرفه‌ای را مشخص تر کنیم میزان حمایتها را با یک فرمول روشنتری در اختیارشان قرار دهیم. و خلاصه به سمتی حرکت کنیم که آنها به خوبی دریابند که وجه تمایزشان با گروههای تجربی و آماتوری چیست. بخشی از حرکت تئاتر کشور و همچنین پاره‌ای از دریافت جایگاه هنرمندان حرفه‌ای تئاتر، به مسائل روحی و روانی آنها وابسته است. اگر هنرمند حرفه‌ای تئاتر ما بداند که محل اجرای نمایش و میزان حمایت مالی و فرهنگی و هنری که از کار او می‌شود کجاست و تا چه حد است، از نظر روحی و هنری اثر مستقیم در تولید آثار و تشویق و ترغیب آنها به تئاتر دارد.

□ در تئاتر انقلاب پس از طی یک دهه هنوز مسأله و حکمت بالغه درام نویسی لاینحل مانده. حال آنکه از نظر صحنه‌ای و شکل اجرا و صحنه‌پردازی تئاتر مادر فرآیند رشد و ارتقاء بود است. با تأکید بر این نکته که معضل و تنگنای کمبود درام نویسی و عدم شناخت نویسنده از ابزار و ادات صحنه تئاتر مشکل تئاتر معاصر ایران حتی از دهه‌های پیش از انقلاب بوده، آیا می‌توان نمایشنامه نویسی را همچون صنعتی مهم که باید با تعلیم و تلمذ و آموزش توأمان و دوشادوش باشد تلقی کرد و از این جنبه بسته ذوق و قریحه‌های منفرد فردی که به سبب خامی و ناپختگی و به رغم تمامت ایمان و اعتقاد نویسنده موفق به دستیابی بر سطوح معمول و متعارف نمایشنامه نویسی نمی‌شوند رها شد؟

□ منتظری - قطعاً همین طور است. یعنی ذوق و قریحه و استعداد باید وجود داشته باشد. اما این کافی نیست. قطعاً باید آموزش در این زمینه باشد، تا بتواند ذوق و قریحه و سلیقه را جهت بدهد، کامل کند و از آن چیز ماندگاری فراهم آورد. به اعتقاد حقیر، ما باید تولید متون نمایشی را همزمان افزایش دهیم. برخی از دوستان نگران این اند که خیلی از متنهای ضعیف، چاپ می‌شود. نباید نگران این موضوع بود. یعنی اگر واقعاً می‌خواهیم که متون خوب و کلاس بالا در این زمینه تدوین کنیم باید راه را باز بگذاریم و اجازه دهیم و قبول کنیم. تا چنین کاری صورت نگیرد نه نویسنده خوب در زمینه ادبیات نمایشی پیدا خواهید کرد و نه متن



خوب. جایی می‌خواندم که یکی از دوستان نوشته بود «در کجای دنیا این همه متن ضعیف را چاپ می‌کنند؟ در کجای دنیا این همه جشنواره برگزار می‌کنند؟ یا کجای دنیا هر از راه رسیده‌ای را اجازه تئاتر کار کردن می‌دهند؟» اینجا که هر کجای دنیا نیست. اینجا ایران است. و تئاتر کشور، تشکیلات خاصی برای خود دارد و سیاستهای خاصی را دنبال می‌کند، تازه شما کجای دنیا رفته‌اید و دیده‌اید که این سئوالات را مطرح می‌کنید؟ یا مثلاً همین نویسندگان بزرگ مگر فقط همین یک دواثر را دارند؟ نه، دواثرشان که من و شما می‌شناسیم معروف شده آیا چخوف فقط ۵ یا ۵ نمایشنامه دارد؟ این طور نیست. چخوف حتماً بیش از صدها نوشته دارد که یکسریش منتشر شده، یکسریش منتشر نشده. از منتشر شده‌هایش هم چهارپنج تایش مطرح شده و تازه مگر چخوف کلاس نمایشنامه‌نویسی رفته بود؟ چخوف یک پزشک بود. یا سایر نویسندگان بزرگ دنیا. من نمی‌دانم آدمی باید به چه سازی برقصد؟ یک موقع می‌گویند که ما از تجربیات دنیا استفاده کنیم. پس آنگاه از طرف دیگر چشم‌مان را روی تجربیات دنیا می‌بندیم. آخر این چه حکمتی است؟ در کشورهای اروپایی تئاتر دولتی نیست.

نظام و سازمان تئاتر به شکل تئاتر ما نیست. یک شاخه‌اش، تئاتر دولتی است. آنکه از راه می‌رسد و می‌خواهد تئاتر اجرا کند، سالنی اجاره می‌کند، پولش را می‌دهد، در آمدش را هم باید خود تأمین کند و سرانجام به گونه‌ای مورد حمایت قرار گرفته یا ناگرفته می‌رود پس کارش. اینجا که اینگونه نیست. اینجا، دولت موظف به حمایت از هنرمندان تئاتر است. تئاتر خصوصی هم که الان در برخی سالنها فعال است و کار می‌کنند، اگر حمایت و کمک نشوند، از طریق تئاتر به جایی نخواهند رسید. یا اگر هم برسند، خدای نا کرده ما باید قبول کنیم که ابتدالاً را ترویج کرده‌ایم. اگر بخواهیم جلوی ابتدالاً را بگیریم و تئاتر خصوصی هم داشته باشیم قطعاً باید کمک و حمایت و توجه کنیم. لذا سازماندهی کشور ما فرق دارد. پس شما نمی‌توانید اینجا این گونه سئوالات را - که ذکر شد - مطرح کنید. نخیر! در هیچ کجای دنیا این کار را نمی‌کنند. آنها شکل کارشان به گونه‌ای دیگر است. یا در همین مورد سوال شما که این بحث را پیش آورد بله! متن ضعیف است. باید چاپ و منتشر شود و بر صحنه بیاید. باید نویسندگان جوان با این کارها تشویق و حمایت مالی شوند. این البته به معنای آن

نیست که ما کسانی را که صاحب این حرفه هستند و به عبارتی استاد این کار هستند را فراموش کنیم. نه! آنها هم جای خود دارند و باید حمایت شوند. من اعتقاد دارم که این نگرانی که شما در مورد کمبود متن نمایشی دارید تنها با آموزش حل نخواهد شد. ذوق و قریحه و استعداد یک سو، و آموزش و چاپ و انتشار و بر صحنه آمدن این متون از سوی دیگر. اینها باید با هم مجموعه‌ای را تشکیل دهند، تا ان شاء الله پس از چهار یا پنج سال دیگر بگوئیم در دوران تحول و گسترش که در این ۵ ساله بوده، ۲ نویسنده خوب یافته‌ایم و یا ۱۰ متن نمایشی خوب که کافی است. این گونه نیست که دستگاه باشد از این طرف بدهند و از آن طرف نمایشی خوب در بیاید. نه! شما باید از یک طرف بنویسی و چاپ کنی و بر صحنه بیاوری و آخرش هم نگاهی کنند و بگویند ۵ متن خوب از کار در آمده است. وظیفه مراکزی مثل «مرکز مطالعات و تحقیقات هنری» یا «کتاب صبح» یا مجله «نمایش» در این زمینه سنگین است. باید سعی کنند، زحمت بکشند و تشویق کنند. والا در برابر این پرسش که کار ضعیف نباید چاپ شود، من می‌گویم چه کسی می‌گوید که کار ضعیف باید چاپ شود؟ چه کسی مدافع کار ضعیف است؟ هیچکس نیست. منتها باید در راستایی تعریف کرد و به پیش رفت. والا اگر قرار باشد از صبح اینجا بنشینم و پشه پیرانی که یک کار خوب نوشته شود. تا آخر الزمان هم که بنشینم چیزی نخواهد شد. برای آنکه نویسندگان می‌آورند و ۱۰ نفر که آمدند و برگشتند، یازدهمی می‌گویند که آقا! نرو آنجا. یک نه می‌گویند و می‌گویند که کار ضعیف است. این گونه است. بعضی استعدادهای کور می‌شوند. دیگر کسی علاقه به کار نخواهد داشت. اینها به معنای ساده اندیشی یا ساده پسنندی یا سهل گرفتن و تساهل و بی‌ارزش جلوه دادن فن نمایشی نیست. اتفاقاً من هم بر همه این‌ها تاکید و اصرار دارم. منتها کار راه دارد باید راهها را پیدا کرد دنبالش رفت. و طبعاً امکانات و بودجه و تحمل سختی و فشار و شنیدن طعن و نیش این و آن را باید داشته باشد و ان شاء الله امیدواریم که در این زمینه به جایی برسیم که افتخار کنیم کما اینکه الان هم ما به نویسندگان خوب و بزرگ که در کشور داریم افتخار می‌کنیم. زحمت می‌کشند و کارهایشان را برای چاپ و انتشار در اختیار ما و دیگران قرار می‌دهند. جای خوشحالی است. الان در بازار کتاب می‌بینید که اگر تا دیروز می‌ترسیدند نمایشنامه یا کتاب تئاتر چاپ کنند، امروز کتاب‌ها را می‌بینید





نمایشنامه چاپ می کنند و ترسشان ریخته. چون فضایی باز شده، مشتریانش پیدا شده کتابخوانش پیدا شده. ما باید قدر این ارزشها را بدانیم. ۵ سال پیش یک نمایشنامه را نزد ناشر می بردی قبول نمی کرد. برای اینکه می دانست اگر سه هزار نسخه چاپ کند برای همیشه روی دستش خواهد ماند. در شهرستانهایی مثل بابل، قم، مشهد و شیراز ناشران راه افتاده اند و کار می کنند که جای خوشحالی است. در طی این فعالیتها، بالاخره ما به آنچه شما و سایر دوستان هنرمند می خواهند می رسیم. ما از همه دوستان خواسته ایم اگر راه حل و نقطه نظری - چه در مورد ارتقاء و تولید متون نمایشی و چه در مورد ارتقاء آثار هنری نمایشی و روش های اجرا - دارند به ما کمک کنند ما استفاده خواهیم کرد. منتها این راه حلها و افکار باید با سازمان و تشکیلات ما همسو باشد و گرنه غیر از آن میسر و میسر نخواهد بود باید در همین چارچوبها باشد تا بتوانیم آنها را اجرا کنیم.

□ - امسال وجه تجربی و نوآوری و ابداع و ابتکار تئاترهای بر صحنه آمده اندک بود و راههای نارفته را با ندیدیم و با اندک و ناچیز دیدیم. آیا می توان برای گشایش و فتح باب راههای تازه و گسترش زبان نمایشی اقداماتی به عمل آورد؟ مرکز هنرهای نمایشی در مورد گسترش نمایش های تجربی چه طرح و برنامه هایی دارد؟

□ منتظری - من اعتقاد دارم که دوستان هنرمند ما باید برخورد فعال کنند و ابتکار و خلاقیت را مطمع نظر قرار دهند. شما بهتر از من می دانید که برای تحقق و تجلی این مهم زمینه هایی لازم است. گاهی این زمینه ها برای هنرمند فراهم و مهیا و بسامان نیست. مثلاً دکور خاصی برای اجرای یک نمایش که با اجراهای دیگر متفاوت است لازم است. پول و امکانات می خواهد و این همه به اندازه دلخواه و بایسته فراهم نیست پس او از آن اجرای مورد نظر صرف نظر می کند یا به اعتباری از عرضه و ارائه نوآوری و خلاقیتش تنها به سبب عدم امکانات چشم فرو می پوشد. این دو سوی قضیه را باید بررسی کرد. یک سویش به هنرمندان مربوط می گردد که باید در این زمینه فعال باشند و سوی دیگرش هم به ما باز می گردد که امکانات این نوع کار را باید به صورت استثنائی فراهم کنیم، تا خلاقیتها شکوفا شوند و بر

دکتر قطب‌الدین صادقی
صحنه بیابند. این مقدمه‌ای است در پاسخ به سؤال شما. ما نه دقیقاً به آن شکلی که شما فرمودید ولی در همین جهت کانون تئاتر تجربی را راه‌اندازی و ایجاد کردیم و ان شاء الله در سال ۷۰، تولیدات این کانون را می‌بینیم. اگر چه ما کارگاه تئاتر امروز را هم نه دقیقاً با این نیت، اما باز در همین جهت راه‌اندازی کردیم که متأسفانه هنوز کاری از این کارگاه دیده نشده به جز آثار مکتوب‌شان که تحت عنوان «گزارش» منتشر می‌گردد. مسوولیت کارگاه تئاتر امروز با آقای پرویز زاهدی و مسوولیت کانون تئاتر تجربی با آقای حمید سمندریان است. طبیعی است که اگر کسانی بخواهند عضو شوند یا همکاری کنند علی‌الظاهر اشکالی در کار وجود ندارد.

□ - برای سال ۱۳۷۰ چه طرح‌های جدیدی در دست اجرا دارید؟

□ منتظری - شاید بخشی از پاسخ به این پرسش را در لابلای مطالب مربوط به سئوالات قبلی مطرح کرده باشم. اما مسأله عمده مرزبندی میان آثار حرفه‌ای، تجربی و آماتور است. ونیز مشخص کردن میزان حمایت‌های مالی، فرهنگی، هنری و فنی. سیاستهای تحول و گسترش، کما فی السابق دنبال خواهد شد. فستیوال فجر با سازماندهی جدید برگزار می‌شود. دعوت از کشورهای اسلامی برای شرکت در جشنواره فجر، برنامه‌های جدید ما در سال ۷۰ است. برگزاری جشنواره تئاتر کودک و نوجوان، برگزاری جشنواره تئاتر جوانان و برگزاری سوگواره تعزیه در اصفهان از طرح‌های جدیدی است که امسال اجرا خواهد شد. علاوه بر اینها به همت شهرداری اصفهان، جشنواره تئاتر انجمنهای نمایش را هم ما در شهر اصفهان برگزار خواهیم کرد. در ضمن پیش‌بینی کرده‌ایم که مانور بزرگی با حضور کلیه اعضای انجمن نمایش سراسر کشور برگزار کنیم که این، نمایشی است از حضور هماهنگ تئاتر و فعالیتهای نمایشی کشور.

مهین صدقی

گفتگو از: قطب‌الدین صادقی

همایون علی‌آبادی

اسفندماه ۶۹